

تبیین گونه‌های تعصب ممدوح و مذموم در کلام امام علی علیه السلام

* فتاحیه فتاحی زاده

** صدیقه کاشفی

*** محمد عترت دوست

چکیده

اگرچه تصور عده‌ای این است که «تعصب» از ردای اخلاقی است، اما در آموزه‌های دینی از آن با دو کارکرد مثبت و منفی یاد شده و تعصب به‌جا، مورد تمجید قرار گرفته و از فضائل اخلاقی دانسته شده است. به دلیل اهمیت صفات اخلاقی و تبیین کارکرد آنها، در این پژوهش تلاش شده با مراجعه به نصوص دینی، ماهیت صفت «تعصب» و گونه‌های آن، شناسایی و تبیین شود. به همین جهت با استفاده از روش «تحلیل محتوا» و تکنیک «تحلیل مضامین کیفی» به مطالعه یکی از مهم‌ترین و طولانی‌ترین خطبه‌های امام علی علیه السلام موسوم به «خطبه قاصعه» پرداخته و گزاره‌های مرتبط با موضوع «تعصب» استخراج و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، به صورت مفصل به مسئله تعصب و گونه‌های آن پرداخته و نقش این صفت در رشد یا سقوط آدمی را تبیین نموده‌اند. در نهایت، این مقاله کوشیده است با مبنا قرار دادن کلام ایشان، تصویر کاملی از مقوله «تعصب» ارائه دهد.

کلمات کلیدی

امام علی علیه السلام، تعصب، عصبیت، حمیت، خطبه قاصعه، تحلیل محتوا.

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

skashefi255@gmail.com

dr.etratdost@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

* استاد دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء علیها السلام، رشته علوم قرآن و حدیث.** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء علیها السلام.

*** استادیار دانشکده الهیات دانشگاه شهید رجایی، رشته علوم قرآن و حدیث.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

طرح مسئله

مهم‌ترین هدف ادیان آسمانی، ایجاد جامعه مطلوب و فاضله از طریق تکامل اخلاقی افراد است. لازمه تکامل اخلاقی نیز شناخت فضایل و رذایل اخلاقی می‌باشد که در مجموعه زیادی از آیات قرآنی و احادیث بدان پرداخته شده و تلاش شده تا انسان‌ها با فضایل و رذایل اخلاقی آشنا شوند. اگرچه در یک تقسیم‌بندی منطقی، صفات اخلاقی به دو دسته فضیلت‌ها و رذیلت‌ها تقسیم شده‌اند، اما در این میان صفاتی دوتایی وجود دارند که استفاده صحیح از آنها به‌عنوان فضیلت و استفاده ناصحیح از آنها به‌عنوان رذیلت اخلاقی شناخته شده است. بی‌شک شناسایی این صفات چندوجهی کاری سخت و دقیق می‌باشد و لازم است با دقت در آموزه‌های دینی، ابعاد متفاوت آنها بازکاوی شوند.

«تعصب» از جمله صفاتی است که در آموزه‌های دین مبین اسلام، هم به‌عنوان یکی از رذایل اخلاقی و هم به‌عنوان یکی از فضائل و بایسته‌های اخلاقی معرفی شده است. البته به دلیل غلبه استفاده ناصحیح از این صفت اخلاقی و نتایج زیان‌بار آن، عموم مردم آن را به‌عنوان یکی از رذایل اخلاقی که مانع رشد و تکامل انسان است، می‌شناسند و در کتب اخلاقی نیز عمدتاً به پیامدهای منفی تعصب اشاره شده و همگان را از آن برحذر داشته‌اند. اما اگر با نگاهی دقیق و متن پژوهانه به مجموعه کلی آیات قرآنی و احادیث مأثور از اهل بیت علیهم‌السلام نظر افکنده شود، متوجه خواهیم شد که صفت تعصب به دو صورت مذموم و ممدوح معرفی شده و حتی برخی از کارکردهای مثبت تعصب ممدوح نیز گفته شده است.

از آنجایی که مطالعه عمیق و دقیق نصوص دینی، نیازمند بهره‌گیری از روش‌های تحقیق متن‌محور و استفاده از ابزارهایی است که بتواند موضوعی خاص را در میان حجم انبوهی از متون، استخراج، بازخوانی، تجزیه و تحلیل نماید، به همین منظور در این مقاله تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به‌مثابه یک روش تحقیق متن‌محور و میان‌رشته‌ای که می‌تواند پیام‌های آشکار و مضامین پنهان متن را کشف و دسته‌بندی کرده و در نهایت الگوی جامعی از آن مقوله خاص را در چارچوب کلی متن به تصویر بکشد، به مطالعه خطبه قاصعه امام علی علیه‌السلام پرداخته و از رهگذر تجزیه و تحلیل مفاهیم این خطبه، تصویر جامعی از مقوله «تعصب» و گونه‌ها و کارکردهای آن بدست آوریم.

در رابطه با علت انتخاب متن خطبه قاصعه به‌عنوان متن مورد تحقیق این مقاله باید گفت که مطالعه تخصصی کلمات امام علی علیه‌السلام بویژه آنچه در نهج‌البلاغه از ایشان نقل شده است، نشان می‌دهد که از مجموع کلمات و نامه‌ها و خطبه‌های ایشان، در خطبه قاصعه، بیشتر از دیگر خطبه‌ها به‌مقوله متعصب پرداخته شده است. البته عموم شارحان و مترجمان نهج‌البلاغه، موضوع کلی این خطبه را پرهیز از اطاعت شیطان، (راوندی، ۱۳۶۴: ۲ / ۲۲۷) پرهیز از کبر و غرور، (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۱: ۱۳ / ۱۰۱) دعوت به

مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از آن (خوئی، ۱۳۵۸: ۱۱ / ۲۶۶) بیان کرده‌اند، اما مطالعه دقیق محتوای خطبه با استفاده از روش تحلیل محتوا در قالب یک پایان‌نامه ارشد نشان داد که یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در این خطبه، موضوع تعصب و انواع آن است. (کاشفی، ۱۳۹۷: ۹۴-۸۹)

لذا در این مقاله تلاش شده تا گونه‌ها، ویژگی‌ها، عوامل ایجاد و عوامل درمان تعصب را بر مبنای کلام امام علی علیه السلام استخراج شود. امام علیه السلام در ضمن معرفی شیطان و عوامل سقوط او از درگاه الهی، به مقوله‌های کبر و تعصب اشاره کرده و در این زمینه به تفصیل سخن گفته‌اند. بر همین اساس این مقاله با این سؤالات اصلی که تعصب چیست؟ انواع آن کدام است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و پیامدهای آن چیست؟ به تحلیل محتوای خطبه قاصعه پرداخته و نتایج بسیاری به دست آورده است.

پیشینه و نوآوری تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق نیز باید گفت اگرچه در خصوص خطبه قاصعه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تحقیقات مختلفی انجام شده است، اما بخشی از این پژوهش‌ها فقط به جنبه‌های تاریخی و اجتماعی خطبه توجه داشته‌اند، مانند: پایان‌نامه *بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه‌های سیاسی اجتماعی کوفه* اثر محمدهادی امین‌ناجی در دانشگاه تربیت مدرس که عمدتاً به بررسی وضعیت جامعه کوفه در روزگار ایراد خطبه پرداخته و ارتباط محتوایی خطبه قاصعه با جامعه آن عصر را مورد بررسی قرار داده و عملاً ورود محتوایی به متن خطبه نداشت است. (امین‌ناجی، ۱۳۷۵) در پایان‌نامه *شرح خطبه قاصعه امام علی علیه السلام* اثر غلامحسین کمیلی تخته‌جان نیز نویسنده تلاش کرده با آوردن معانی واژه‌ها از کتب لغت و استفاده از شروح مختلف، به توضیح و تفسیر عبارات‌های مبهم خطبه بپردازد. (کمیلی، ۱۳۸۲)

بخش دیگری از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص خطبه قاصعه، توجه به وجوه ادبی و بلاغی و زبان‌شناختی واژگان آن بوده است. به‌عنوان نمونه در پایان‌نامه *اعراب و بلاغت خطبه قاصعه در نهج البلاغه*، اثر طاهره موسویان، نویسنده تلاش کرده وجوه اعرابی و بلاغی برخی جملات خطبه را مورد بررسی و کاوش قرار دهد و میزان آشنایی بسیار دقیق و عمیق امام علی علیه السلام را نسبت به صنایع ادبی کلام عربی با مطالعه موردی این خطبه ترسیم نماید. (موسویان، ۱۳۹۳) در پایان‌نامه *بررسی زبان‌شناختی خطبه قاصعه نهج البلاغه* اثر رحمت ابراهیم‌زاده نیز مشابه مورد قبل تلاش شده با کشف ارزش‌های ادبی و بلاغی خطبه‌ی قاصعه از بُعد زبان‌شناختی و بررسی لغوی واژگان و ساختار صرفی و نحوی، اسلوب‌های معنایی خطبه بررسی شود. (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹) در پایان‌نامه *بررسی و تحلیل واژگان مشکل نهج البلاغه در خطبه قاصعه* اثر مهسا شاه‌بیدکی نیز همانند موارد قبل صرفاً به بررسی واژگان مشکل خطبه با بهره‌گیری از کتب غریب الحدیث توجه شده است. (شاه‌بیدکی، ۱۳۹۵) بر

این اساس وجه نوآوری و تمایز مقاله حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌ها این است که: اولاً با استفاده از روش تحلیل محتوا به مطالعه متن و نص اصلی خطبه پرداخته و گزارشی دقیق از موضوعات اصلی و فرعی خطبه و سنجش فراوانی آنها ارائه کرده است. ثانیاً با نگاهی مسئله محور به یکی از موضوعات مهم مطرح در خطبه با عنوان «تعصب» توجه نموده و تلاش کرده ماهیت، انواع، ویژگی‌ها و نتایج عصبیت را در قالب ساختاری نظام‌مند تبیین نماید. ثالثاً تلاش شده در پایان با ارائه نمودار، الگوی جامع مؤلفه تعصب از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه ترسیم شود. بی‌شک توجه به این الگو می‌تواند نقش اثرگذاری در جهت تمسک به فضائل اخلاقی و دوری از ردائیل داشته باشد.

الف) جدول تحلیل محتوای مقوله «تعصب» در خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

از آنجاکه برای تحلیل نصوص دینی به روش‌های تحقیق متن محوری نیاز است که بتواند تمامی جوانب متن و فرامتن را سنجیده و لایه‌های عمیق مضمونی متن را شناسایی کند، لذا در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده تا پس از استخراج مضامین اصلی و فرعی، بتوان با توجه به ساختار کلی خطبه، در نهایت الگویی که از کلام حضرت قابل استفاده است را به تصویر کشید.

روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های تحقیق جهت تبیین اندیشه‌های بیان شده در یک متن است. «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی و به‌منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از شناسایی اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن، برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) و تعیین جایگاه و رتبه آنها در نظام مقوله‌ها». (باردن، ۱۹۹۶: ۲۹) در این روش از تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌شود که در رشته‌های مختلف علمی و متناسب با موضوع پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اولین مرحله عملی در پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق متن، ترسیم جدول به‌منظور تجزیه متن به قطعات کوچک‌تر و استخراج کلید واژگان، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی هر قطعه از متن است. سپس بر مبنای این جداول، ادامه فرایند روش تحلیل محتوا، که سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی هر متن است، ادامه می‌یابد تا به شناسایی مهم‌ترین آنها به‌منظور دستیابی به پیام اصلی خطبه نائل شویم.

لازم به ذکر است در این پژوهش، محور اصلی تحلیل، متن خطبه قاصعه است؛ که براساس نسخه *منهاج البراعه* «حبیب‌الله خوئی» استخراج شده. (خویی، ۱۳۶۴: ۱۱) در این کتاب، اسناد خطبه‌ها و نامه‌ها بطور کامل و دقیق و حتی مربوط به قبل از نگارش نهج‌البلاغه توسط سیدرضی

بیان شده‌است. در جدول زیر، عبارات خطبه براساس پیام اصلی هر جمله، تقطیع شده و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج گردیده و درنهایت کدگذاری شده‌اند. این جدول به شکلی کدگذاری شده است که در تحلیل کیفی با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه می‌توان به سند و منبع و علت آن تحلیل دست‌یافت. در ادامه به علت حجم بالای جدول، تنها بخشی از آن به‌عنوان نمونه درج شده است. (برای مشاهده جدول کامل ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۷)

جدول ۱: تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

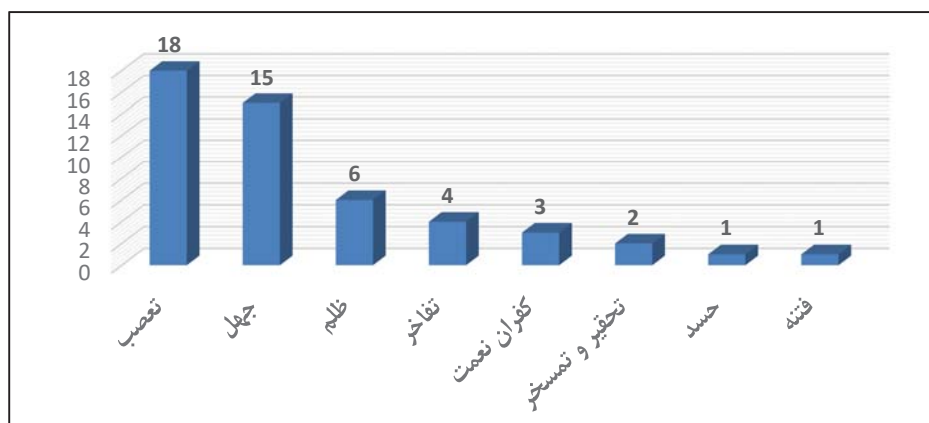
ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
۱	<p>وَلَقَدْ نَظَرْتُ فَمَا وَجَدْتُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ يَتَعَصَّبُ لِشَيْءٍ مِّنَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا عَنُ عِلَّةٍ تَحْتَمِلُ تَمُوبَهُ الْجَهْلَاءِ، أَوْ حُجَّةٍ تَلِيطُ بِعُقُولِ السُّفَهَاءِ غَيْرِكُمْ، فَإِنَّكُمْ تَتَعَصَّبُونَ لِأَمْرٍ مَا يَعْرِفُ لَهُ سَبَبٌ وَلَا عِلَّةٌ.</p> <p>((در سرگذشت انسان‌ها) نگریستم و کسی را از عالمیان ندیدم که به چیزی تعصب بورزد مگر این که مستند به علتی باشد که می‌تواند نادان‌ها را به اشتباه بیندازد، یا مستند به یک دلیل (ظاهری) باشد که عقول مردم احمق را به بازی بگیرد مگر شما، زیرا شما به امری تعصب می‌ورزید که برای آن هیچ سبب و علتی دیده نمی‌شود.)</p>	تعصب علت اصلی سقوط انسان	تعصب ورزی نیازمند دلیل و هدف	A189
			مشتبّه سازی حقیقت بر جاهلان؛ علت تعصب ورزی	A190
			نفوذ در اندیشه سفیهان؛ علت تعصب ورزی	A191
			سرزنش انسان‌ها به دلیل تعصب داشتن بدون هدف	A192
۲	<p>أَمَّا إِبْلِيسُ فَتَعَصَّبَ عَلَيَّ آدَمَ لِأَصْلِهِ، وَ طَعَنَ عَلَيْهِ فِي خَلْقَتِهِ، فَقَالَ: أَنَا نَارِي وَأَنْتَ طِينِي.</p> <p>(اما شیطان که برای آدم <small>علیه السلام</small> تعصب به خرج داد، به جهت اصل خلقتش بود که با تمسک به آن در اصل آفرینش آدم <small>علیه السلام</small> طعنه زد و گفت: من از آتش هستم و تو از گل.)</p>	علت تعصب ابلیس بر انسان	اصل و اساس خلقت آدمی، عامل تعصب ابلیس بر او	A193
			سخن طعن آمیز شیطان بر آدم؛ نشانه تعصب	A194

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
۳	وَأَمَّا الْاَغْنِيَاءُ مِنْ مُتْرَفَةِ الْأُمَمِ، فَتَعَصَّبُوا لِأَنَارِ مَوَاقِعِ النَّعْمِ، فَقَالُوا: (نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ)	علت تعصب در امت‌های پیشین	نعمت‌های گوناگون عامل تعصب امت‌های پیشین	A195
	(و اما توانگران از خودکامگان امت‌ها، آنان به موقعیت‌هایی که نعمت‌های خداوندی نصیبشان کرده بود، تعصب ورزیدند و گفتند: (اموال و اولاد ما بیشتر از دیگران است و ما عذاب نخواهیم گشت.)		سخن اغنیاء در بیان دلیل تعصب آنها از زبان قرآن	Q13
۴	فَإِنْ كَانَ لَا بَدَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ، وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ، وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ، الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَ التَّجْدَاءُ مِنْ بِيُوتَاتِ الْعَرَبِ وَ يَعَاسِبِ الْقَبَائِلِ؛ بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيْبَةِ، وَ الْأَحْلَامِ الْعَظِيْمَةِ، وَ الْأَخْطَارِ الْجَلِيْلَةِ، وَ الْأَنَارِ الْمُحْمُودَةِ. فَتَعَصَّبُوا لِخِلَالِ الْحَمْدِ مِنْ الْحِفْظِ لِلْجَوَارِ، وَ الْوَفَاءِ بِالذِّمَامِ، وَ الطَّاعَةِ لِلرِّبِّ، وَ الْمَعْصِيَةِ لِلْكَبِيرِ، وَ الْأَخْذِ بِالْفَضْلِ، وَ الْكَفْرِ عَنِ الْبُغْيِ، وَ الْأَعْظَامِ لِلْقَتْلِ، وَ الْإِنْسَافِ لِلْخَلْقِ، وَ الْكُفْمِ لِلْعُظْمِ، وَ اجْتِنَابِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ. (پس اگر ناچار از تعصب هستید، عصبيت خود را برای اخلاق نيكو و كردارهای پسندیده و امور زيبا قرار بدهيد كه خاندان‌های اصیل و بزرگ‌منش عرب و رؤسای قبایل به آن موصوف بودند: تعصب به داشتن اخلاق مرغوب عقلا، و آرمان‌های بزرگ و درجات بالای ارزش‌ها و آثار پسندیده كه از خود به یادگار می‌گذاشتند. پس تعصب بورزید به خصلت‌ها و عادات پسندیده مانند حمایت و حفظ حقوق همسایگی و وفا به پیمان و اطاعت نيكوکار	ویژگی تعصب پسندیده و بیان نمونه‌هایی از آن	عصبيت امری ناگزیر	A196
			جواز تعصب ورزی در خصلت‌های پسندیده، کارهای ستودنی و امور نيكو	A197
			ویژگی‌ها تعصب نيكو در میان عرب	A198
			اخلاق، اندیشه شخصیت و آثار پسندیده از نقاط مثبت تعصب پسندیده	A199
			از جمله تعصب‌های پسندیده: حفظ حقوق همسایگان، وفای به عهد، انجام کارهای نيك، مخالفت با تکبر، جود و بخشش، خودداری از ستم،	A200

ردیف	متن	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
	و مخالفت با خودخواهی و فراگرفتن فضل و فضیلت و بزرگ شمردن معصیت قتل نفس، و انصاف به خلق و فروبردن غضب و پرهیز از فساد در روی زمین.		بزرگ شمردن قتل نفس، انصاف، فروخوردن خشم و اجتناب از فساد در زمین	

ب) تحلیل محتوای کمی مقوله «تعصب» در خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

بر اساس جدول کمی، هر یک از واژگان کلیدی، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و براساس اطلاعات آماری حاصل از جدول، میزان فراوانی هر کدام استخراج گردیده است؛ سپس بر مبنای بسامدگیری واژگان و موضوعات استخراج شده، نمودارهای مجزایی ترسیم گردیده است. در گام اول، واژگان کلیدی استخراج شده از جدول تحلیل کمی، مورد توجه قرار گرفت و پس از یکسان‌سازی و شمارش، این نتیجه حاصل گردید که پربسامدترین واژه در این خطبه «تکبر» است. علاوه بر آن، با توجه به اطلاعات آماری حاصل از جدول، روشن گردید؛ از پرکاربردترین موضوعات اصلی که حضرت علی علیه السلام به آن پرداخته است، موضوع «شیطان‌شناسی» و پس از آن «کبر» است که مهم‌ترین راه نفوذ شیطان بوده و آلوده‌شدن به آن، به‌صورت‌های گوناگون ظهور می‌یابد. در این خطبه، حضرت علی علیه السلام برای بروز کبر راه‌هایی از جمله تعصب ورزی، ظلم، حسد، کینه و تفاخر بیان می‌فرمایند (A12)؛ که براساس جدول کمی و اطلاعات آماری حاصل از آن مشخص گردید بروز تکبر به‌صورت تعصب ورزی، بارزتر بوده و از بسامد بالاتری برخوردار است.



نمودار ۱: راه‌های نفوذ شیطان براساس خطبه قاصعه

ج) تحلیل محتوای کیفی مقوله «تعصب» در خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده، به صورت سیستماتیک است (کرپیندورف، ۱۳۸۳: ۹) که برای بررسی لایه‌های عمیق‌تر از متن، اتخاذ شده و منجر به نظریه‌پردازی می‌شود. (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲) از آنجاکه هرگونه استنباط از موضوعات یک متن منوط به گزارش‌های تحلیل کمی است، لذا با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به سمت تحلیل کیفی فراهم می‌شود.

حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه با توجه به اهمیت معرفی مصادیق برای تبیین بهتر موضوعات مهم، در موارد مختلف تلاش کرده‌اند تا عصبیت را مهم‌ترین راه ایجاد کبر و نفوذ شیطان معرفی نموده و همگان را از آن برحذر دارند؛ مجموع آنچه امام علی علیه السلام در این خطبه پیرامون عصبیت بیان کرده‌اند، در ادامه مقاله به صورت دسته‌بندی شده و در قالب یک الگوی منظم آمده است. لازم به ذکر است که تمامی مطالب این مقاله، مستند به کلمات حضرت علی علیه السلام و مضامین برداشت شده از محتوای خطبه قاصعه بوده که استنادات آن به صورت حروف انگلیسی کدگذاری شده ذکر شده است.

یک. گونه‌های تعصب از نظر امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام در کلام نورانی خود در این خطبه برای تبیین تعصب، از واژه‌های حمیت و عصبیت استفاده کرده‌اند. عصبیت به معنای آن است که شخص نسبت به چیزی، واکنش‌های عاطفی و احساسی و به دور از هرگونه معیار عقلی یا عقلایی داشته باشد. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۲۲) در حقیقت، تعصب احساس قوی و شدید عاطفی است که برگرفته از وابستگی شدید به امری بوده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸ / ۱۴۳) و در موارد اعتقادی و معرفتی به کار می‌رود. تعصب از واژه «عَصَب» گرفته شده و خصلتی است که شخص را به حمایت بی‌چون‌وچرا از خویشان، چه ظالم باشند و چه مظلوم، وادار می‌سازد (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۲۳۳) و در اصطلاح عبارت است از حمایت قولی و فعلی از چیزی که به خود نسبت دارد، مانند دین، مال و قبیله. (نراقی، ۱۳۶۶: ۲۴۲)

عالمان اخلاق در کتب خود متذکر این نکته شده‌اند که تعصب بر دو قسم است؛ اگر چیزی است که حمایت کردن از آن باعث تجاوز از حق نمی‌شود و انصاف رعایت می‌شود، ممدوح و از صفات فاضله بوده و اگر حمایت از آن با شرع مخالف است و از حق تجاوز می‌کند، مذموم خواهد بود. (نراقی، ۱۳۶۶: ۲۴۲) در آیات قرآن کریم و احادیث نیز به هر دو نوع تعصب‌های ممدوح و مذموم اشاره شده است.

به‌عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با تعصب مذموم می‌فرماید:

مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيْبَةٍ، بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ.
(کلینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۰۸)

هرکسی در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می‌کند.

تحلیل محتوای مجموعه کلمات امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه نیز نشان می‌دهد که آن حضرت به هر دو نوع تعصب‌های ممدوح و مذموم اشاره کرده و مصادیق بارز هر کدام را نیز بیان کرده‌اند: «...فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيْبَةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ... فَتَعَصَّبُوا لِخِلَالِ الْحَمْدِ مِنَ الْحِفْظِ لِلْجَوَارِ، وَالْوَفَاءِ بِالذِّمَامِ، وَالطَّاعَةِ لِلْبِرِّ، وَالْمَعْصِيَةِ لِلْكَبْرِ، وَالْأَخْذِ بِالْفَضْلِ...» (R49)

۱. تعصب ممدوح و مصادیق آن

از منظر امام علی علیه السلام، شکل مثبت و شایسته تعصب در استقامت و ایستادگی بر اموری است که از جمله ارزش‌های والای انسانی، اخلاقی و اجتماعی بوده و باعث تقویت جبهه حق می‌شود. تعصب بر چنین اموری از منظر امام علی علیه السلام به‌مثابه یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی بوده که باعث کمال فرد و رشد جامعه خواهد شد.

از دیدگاه امام علیه السلام، در صورتی تعصب مجاز است، که هدفمند بوده و دارای دلیل منطقی باشد و در صورت نداشتن دلیل، یا داشتن دلیل غیرمنطقی، فاقد اعتبار است. (A189) علاوه بر داشتن دلیل و هدفمند بودن، قرار گرفتن در چارچوب‌هایی مانند عصبیت برای اخلاق نیکو و کردارهای پسندیده و امور زیبا شروطی هستند که امام علیه السلام برای اعتباربخشی به تعصب در خطبه قاصعه بیان می‌فرماید. (A197, A199) براساس فرمایش امام علیه السلام تعصب امری ناگزیر بوده و شایسته است به مسیر حق هدایت شود تا بتوان از این صفت، برای رسیدن به سعادت و کمال بهره‌مند شد. حضرت علی علیه السلام در این خطبه برای تعصب پسندیده ویژگی‌ها و مصادیق مختلفی بیان می‌کنند. از جمله این ویژگی‌ها، عصبیت در چارچوب «مَكَارِمِ الْخِصَالِ، وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ، وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ» است. تعصب به داشتن اخلاق نیکو و کردارهای پسندیده و امور زیبا، اخلاق مرغوب عقلا و آرمان‌های بزرگ و درجات بالای ارزش‌ها و آثار پسندیده‌ای که از خود به یادگار می‌گذاشتند (A197, A199) که شایسته است انسان نسبت به آن‌ها حساس بوده و بر آن متعصب باشد و در گسترش آن بکوشد. ایشان بعد از بیان ویژگی‌های تعصب پسندیده، به بیان مصادیقی از آن پرداخته و نسبت به آن‌ها،

توصیه اکید می‌نماید. بررسی مضامین کل خطبه و همگن‌سازی عبارات مشابه و توجه به اطلاعات آماری حاصل از جدول نشان می‌دهد که این مصادیق را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:

۱-۱. تعصب بر وفای به عهد و پایبندی بر پیمان‌ها

«وفای به عهد» یکی از اموری است که حضرت با عبارت «وَ الْوَفَاءِ بِالذِّمَامِ» بدان سفارش کرده‌اند. (A200) وفای به عهد از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد تقواست که در قرآن کریم بر لزوم پایبندی به آن اشاره گردیده است. (توبه / ۱۱۱؛ اسراء / ۳۴؛ انعام / ۱۵۲) لازم به ذکر است که در متن خطبه قاصعه نیز نمونه‌های وفای به عهد و نقض آن از جمله: پایبندی به عهدی که میان افراد جامعه و پیامبران آن‌ها بوده، تصدیق ابتدایی پیامبران، نقض عهد و پیمان در زمان رسول خدا ﷺ و نقض آن بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ توسط گروه‌های ناکشین، مارقین و قاسطین به تفصیل بیان شده است. همچنین حضرت علی ﷺ در موارد متعدد همگان را به عبرت‌آموزی از پیشینیان دعوت نموده‌اند تا فرجام عدم پایبندی به عهد و پیمان آنان، مورد توجه قرار گیرد و با مخالفان اتمام حجت شود. همه این موارد نشان‌دهنده اهمیت موضوع وفای به عهد و پیمان از منظر امام علی ﷺ است و به همین دلیل ایشان توصیه می‌کنند که یکی از شایسته‌ترین نمونه‌های تعصب ورزیدن، تعصب داشتن بر عهد و پیمان است. (A200)

توجه به تاریخ ایراد خطبه نیز نشان می‌دهد که مراد از نقض عهد بیان شده در کلام امام ﷺ، می‌تواند مهم‌ترین عهدی باشد که مردم آن جامعه با رسول خدا ﷺ در مورد ولایت‌پذیری امیرالمؤمنین علی ﷺ بسته بودند؛ که متأسفانه عدم فرمان‌بری از نیکوکاران - ولی معرفی شده از سوی پیامبر ﷺ - و اسیر کبر و غرور شدن، عامل بی‌توجهی آن‌ها به این امر شده و آن‌ها را از هم‌گسسته و نزاع و سرکشی را جایگزین محبت‌ورزی و اتحاد میان آن‌ها کرده است. [اَنْظُرُوا اِلَى مَا صَارُوا اِلَيْهِ فِي آخِرِ اُمُورِهِمْ، حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَ تَشَتَّتِ الْاَلْفَةُ، وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْاَفْتِدَةُ، وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِينَ، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ...]

۲-۱. تعصب بر خودداری از تجاوز و ظلم و سرکشی

دسته دوم از مصادیقی که حضرت علی ﷺ برای تعصب ممدوح بیان کرده‌اند، شامل موارد ذیل می‌شود که بطور کلی از آنها با عنوان «تعصب بر خودداری از تجاوز و ظلم و سرکشی» یاد کرده‌ایم:

۱-۲-۱. خودداری از ستم به دیگران

عبارت «اَلْكَفَّ عَنِ الْبَغْيِ» در کلام امام ﷺ به معنای خودداری از ستم است که بازگشتش به فضیلت عدل می‌باشد. ظلم یکی از شنیع‌ترین گناهان بوده و پدیده ناپسندی است که هیچ طبع سلیمی آن را

نمی‌پذیرد. به همین دلیل امام علی علیه السلام با استناد به این مطلب که حتی کودکان نابالغ که هنوز خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند، از ظلم متنفر بوده و نسبت به آن، عکس‌العمل نشان می‌دهند (A199) تلاش کرده‌اند تا زشتی و ناپسندی ظلم به دیگران را در متن خطبه گوشزد کرده و بر مسئله خودداری از ستم به دیگران و تعصب ورزیدن به آن تأکید فرمایند. لازم به ذکر است که در قرآن کریم نیز آیات بسیاری وجود دارد که انسان‌ها را از ستم کردن به دیگران منع می‌کند. (بقره / ۱۱؛ اعراف / ۵۶؛ ۸۵ و ۱۴۲؛ شعراء: ۱۸۳؛ قصص / ۷۷)

۱-۲-۲. فروخوردن خشم

یکی از ابزارهای بروز ستم و عامل ایجاد آسیب‌ها و تنش‌های اجتماعی، غضب است و در تقابل با آن «فروخوردن خشم»، یکی از شاخه‌های شجاعت می‌باشد (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۷) که حضرت علی علیه السلام در این خطبه با عبارت «الْكُظْمُ لِلْغَيْظِ» از آن نام برده‌اند. (A199) این عبارت در اصطلاح به معنای خودداری از اظهار خشم و غضب و نگاه‌داشتن آن در دل است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳ / ۳۲)

حضرت علی علیه السلام با بیان این مطلب که انسان در حالت غضب، تجلی‌گاه جهنم است و اگر خود را کنترل نکند، شراره این آتش به بیرون سرایت می‌کند و در قیامت با همین آتش خواهد سوخت، مخاطبان خود را به فروخوردن خشم توصیه کرده و دعوت می‌کنند به کظم غیظ تعصب داشته باشند. ایشان با اشاره به آیه «إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا» (فرقان / ۱۲) خطر خشم و غضب را گوشزد نموده و مؤمنان را به کنترل خشم سفارش کرده‌اند و برای کنترل آن، دستورالعمل‌هایی از جمله عفو و بخشش در هنگام غضب و صبر و تحمل در برابر حکم و قضای خداوند، ارائه نموده‌اند.

۱-۲-۳. بزرگ شمردن قتل نفس

اگر فرد نتواند خشم خود را کنترل نماید، در آن صورت ممکن است مرتکب گناهان و خطاهای بیشتر و بزرگ‌تری شود که مهم‌ترین آنها، قتل نفس است که حضرت علی علیه السلام با عبارت «الْأَعْظَمُ لِلْقَتْلِ» آن را بیان فرموده‌اند. (A199) لازمه آدم‌کشی، خصلت ناپسند ظلم و عدم کنترل خشم است که بر آن وعده عذاب در آخرت داده شده است. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۷)

از آنجاکه قرآن کریم برای جان انسان ارزش بسیاری قائل شده (انعام / ۱۵۱؛ اسراء / ۳۳؛ فرقان / ۶۸ و غیره) و مرتکب قتل نفس را همانند کسی می‌داند که همه انسان‌ها، یعنی انسانیت را کشته است، (مائده / ۳۲) لذا امام علی علیه السلام نیز به‌عنوان مفسر حقیقی قرآن و معلم اخلاق همه انسان‌ها، در کلام

خود چنین توصیه می‌کنند که اگر لازم است انسان بر چیزی تعصب داشته باشد، بهتر آن است که بر بزرگ شمردن قتل نفس تعصب داشته باشد و خونس به خاطر این گناه بزرگ و نابخشودنی، به جوش آید، در این صورت چنین تعصبی شایسته مدح بوده و امنیت و آرامش و رشد و تعالی جامعه را به همراه خواهد داشت. لازم به ذکر است که در فرهنگ قرآنی، حفظ جان انسان‌ها از جمله مصادیق وجود امنیت دانسته شده که در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط، برابری و برادری، دفاع از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد، دفع فقر، تأمین معیشت، حفظ آزادی‌های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی، امکان‌پذیر است.

۴-۲-۱. رعایت انصاف با مردم

در مقابل خودداری از ستم، رعایت انصاف از زیباترین خصلت‌های اخلاقی است که به معنای عدالت‌ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست و اینکه هر خیری را برای خود می‌خواهیم، برای دیگران نیز بخواهیم و هر زیان و ضرری که برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران نیز نپسندیم. انصاف با مردم، آن است که در داد و ستد با آنان، پیوسته عدالت را رعایت کنیم. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۷) حضرت علی علیه السلام با تعبیر «الْإِنصَافُ لِلْخَلْقِ» از این موضوع مهم یاد کرده و توصیه نموده‌اند که یکی از بهترین مصادیق تعصب داشتن، تعصب بر رعایت انصاف با مردم است.

آیات متعددی از قرآن کریم نیز بر این اصل مهم انسانی و اسلامی تأکید کرده و خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «ای مؤمنان همواره قیام به عدل کنید. یعنی در تمام شئون زندگی، با مردم مطابق عدل و انصاف رفتار کنید». (اعراف / ۲۹؛ شوری / ۱۵؛ حجرات / ۹؛ الرحمن / ۹؛ انعام / ۱۵۲؛ نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۸) آگاهی و توجه به آثار نیکی که انصاف به همراه دارد، باعث ایجاد محبت در روابط انسان‌ها می‌شود. کسی که در روابطش انصاف را رعایت می‌کند، محبت و دوستی دیگران را به سوی خود جلب می‌کند و با این کار، سبب می‌شود تا کینه و اختلاف از بین برود. همچنین انصاف، سبب عزت فرد می‌شود؛ این در حالی است که فردی که در روابطش عدالت را رعایت نمی‌کند، اندک‌اندک از چشم دیگران می‌افتد و وجهه خود را در اجتماع، از دست می‌دهد؛ لذا این عملش، خواری را برای او به همراه خواهد داشت.

۵-۲-۱. رعایت حقوق همسایگان

از دیگر مصادیق تعصب ممدوح و شایسته در کلام امام علی علیه السلام که بدان توصیه فرموده‌اند، رعایت حقوق همسایه است. (A199) آن حضرت با تعبیر «الْحِفْظُ لِلْجَوَارِ» در کنار امور مهم دیگر بر این

موضوع تأکید فرموده‌اند که رعایت حقوق همسایه، نتیجه برخورداری از دو خصلت نیکو است: یکی عدالت و خودداری از ستم به دیگران و دیگری رعایت انصاف با مردم و گذشت و همدردی با آنها. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۵)

مسئله رعایت حقوق همسایگان از منظر خداوند متعال آن قدر مهم است که در قرآن کریم حتی در مورد همسایه کافر و مشرک نیز توصیه به احسان و نیکی شده است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُجُورًا». (نساء / ۳۶) به اعتقاد مفسران، در این آیه به گونه‌ای سخن به میان آمده که شامل مؤمن و غیرمؤمن می‌شود. مراد از «الجار ذی القربى» همسایگانی هستند که به سبب اسلام، به انسان نزدیک هستند و مراد از «الجار الجنب» همسایه مشرک است، که در دین از انسان دور است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۷)

۳-۱. تعصب بر فرمان‌بری از ابرار و نافرمانی از متکبران

دسته سوم از مصادیقی که امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه به‌عنوان مصادیق تعصب ممدوح از آن یاد کرده و بدان توصیه نموده‌اند، با عنوان «تعصب بر فرمان‌بری از نیکوکاران و نافرمانی از متکبران» نام‌گذاری شده است که خود شامل دو مورد است:

۱-۳-۱. فرمان‌بری از ابرار

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های امام علی علیه السلام به مردم آن است که اگر قرار است بر چیزی تعصب داشته باشند، بهتر است بر مسئله فرمان‌بری از ابرار خود تعصب داشته باشند «الطَّاعَةَ لِلرَّيِّ». در مفهوم این جمله کلیدی و بسیار مهم امام علیه السلام چندین احتمال از طرف شارحان نهج‌البلاغه بیان شده است:

۱. اعتقاد به وجوب اطاعت از نیکوکاران. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۶)

۲. پیروی کردن از امور نیکو و شایسته. (همان)

۳. پرهیز از فجور و گناه که نقطه مقابل نیکوکاری است. (همان)

۴. نیکی به پدر و مادر و خویشاوندان. (همان)

۵. اطاعت از ابرار. (خویی، ۱۳۵۸: ۱۱ / ۳۹۶)

به عبارت دیگر بعضی از شارحان نهج‌البلاغه، این عبارت حضرت علیه السلام را به‌معنای دعوت به نیکی و نیکوکاری و احسان به دیگران برداشت کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد منظور اصلی آن حضرت علیه السلام، دعوت به اطاعت از ابرار و فرمان‌بری از رهبران شایسته و منصوب الهی است. در

احادیث بسیاری، از ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به‌عنوان «ابرار» یادشده و بدیهی است که این سخن امام علی^{علیه‌السلام} اشاره به این مفهوم دارد.

۱-۳-۲. نافرمانی از متکبران

در مقابل تعصب داشتن بر فرمان‌بری از ابرار، تعصب داشتن بر نافرمانی از گردنکشان و متکبران و غاصبان حق ابرار نیز لازم بوده و به اعتقاد امام علی^{علیه‌السلام} چنین تعصبی، ازجمله مصادیق تعصب ممدوح و پسندیده است که آن حضرت با عبارت «الْمُعَصِيَةُ لِلْكَبِيرِ» آن را ذکر کرده‌اند. مخالفت با تکبر، دوری کردن از آن است که کنایه از نپذیرفتن ظلم و رعایت عدالت و حق می‌باشد. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۴۹۶؛ خویی، ۱۳۵۸: ۱۱ / ۳۹۶)

بدیهی است که یکی از مقدمات لازم برای دوری از فرمان‌بری متکبران، شناخت حق و باطل می‌باشد. کسی که بتواند حق و باطل را تشخیص دهد، طبیعتاً خواهد توانست بر را از ظلم و تکبر تشخیص داده و به‌جای فرمان‌بری از متکبران و ظالمان، از ابرار فرمان‌بری داشته باشد. لذا اینکه مشاهده می‌شود امام علی^{علیه‌السلام} در کلام دیگری مردمان عصر خویش را با عبارت «الْأَخْذُ بِالْفَضْلِ» به فراگرفتن نیکی‌ها فرمان داده‌اند؛ (A199) نشان‌دهنده آن است که یکی از مصادیق نیکی و فضیلت‌های اخلاقی، شناخت حق و باطل و اطاعت از حق و نافرمانی باطل و تعصب داشتن بر این دو مسئله مهم است. همچنین باید توجه داشت که تکبر، از اموری است که موجب می‌شود تا شخص خود را از دیگران جدا و برتر دانسته و حاضر به همراهی با دیگران و جامعه نشود که نتیجه آن، نوعی واگرایی اجتماعی و تفرقه و اختلاف است. بنابراین یکی دیگر از نتایج تعصب داشتن بر اطاعت از ابرار و نافرمانی متکبران، پرهیز دادن افراد از رذیله تکبر و نتایج شوم آن می‌باشد که مقابل آن، دعوت به خضوع و فروتنی در برابر دیگران و حفظ وحدت و همدلی در جامعه است.

قرآن کریم نیز در موارد متعددی از مردمان می‌خواهد که به‌جای تکبر و تفاخر، منش تواضع را به‌عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکوکاری و هم‌گرایی اجتماعی در پیش گیرند و آن را تقویت کنند. (بقره / ۸۳ و ۱۹۵؛ نساء / ۳۶؛ انعام / ۱۵۱؛ اسراء / ۲۳؛ قصص / ۷۷؛ احقاف / ۱۵)

۲. تعصب مذموم و مصادیق آن

نوع دیگری از تعصب که نتایج زیان‌بار و مخرب به‌همراه دارد، تعصب مذموم است که امام علی^{علیه‌السلام} در خطبه قاصعه پس از آنکه مصادیق متعدد تعصب ممدوح را بیان می‌فرمایند به ذکر چند مورد از مصادیق تعصب مذموم نیز پرداخته و مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنند.

۱-۲. تعصب شیطانی

مهم‌ترین مصداقی که امام علی علیه السلام برای تعصب مذموم بیان کرده‌اند، تعصب شیطانی است. آن حضرت علیه السلام یکی از القاب شیطان را «إِمَامُ الْمُتَّعِصِينَ» (R5) به معنای امام و رهبر متعصبان دنیا دانسته و به بیان این مطلب می‌پردازند که با خلقت حضرت آدم علیه السلام، نخستین موجودی که بر اثر جهل، کبر، غرور و با دلیلی غیرموجه، دچار عصبیت شد و اصل وجود آدمی را به سُخره گرفت، ابلیس بود. (بقره / ۳۴) شیطان به پندار باطل خود، خویشتن را برتر دید و در مقابل آدم، به سرشت خود از روی باطل، افتخار کرد و به اصل خویش تعصب ورزید. او تنها از آفرینش انسان، جنبه خاکی‌اش را دید و لذا اصل خود را (آتش) از او برتر دانست (R47) و با تفاخر گفت:

قال أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ. (ص / ۷۶)
من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای.

امام علی علیه السلام در بیان داستان تعصب شیطان نسبت به انسان، به مسئله منیت و خودخواهی او نیز اشاره کرده و می‌فرمایند که شیطان با بیان این جمله که «أَنَا نَارِي وَأَنْتَ طِينِي»؛ علاوه بر تعصب بر آفرینش خود از آتش، با عبارت «أَنَا»، کمال منیت و خودخواهی خود را نیز نشان داده است. (A193)

۲-۲. تعصب جاهلی

مصداق مهم دیگری که امام علی علیه السلام به عنوان تعصب مذموم بیان کرده‌اند، تعصب جاهلی است که ریشه در همان تعصب شیطانی دارد. وابستگی شیطان به امور نادرست، باعث بروز تعصبی مذموم گردید و این، همان چیزی است که قرآن کریم از آن به «تعصب جاهلی» یاد کرده است: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». (فتح / ۲۶)

اعراب جاهلی بویژه ثروتمندان و مرفهان آنها، کثرت مال و فرزند را بهانه‌ای برای تعصب‌ورزی خویش قرار داده (R48) و با پرستش بت‌ها، نسبت به عبادت این خدایان دروغین، تعصب نشان می‌دادند. (R21) اعراب جاهلی با مبتلا شدن به مجموعه‌ای از صفات رذیله اخلاقی شیطان را در عمل امام و پیشوای خود قرار داده و در تعصب ورزیدن از او تبعیت می‌کردند. (A192) بدیهی است که چنین شکلی از تعصب داشتن بر امور بی‌هوده، عبث و ناپایدار، به دلیل ناروا و بی‌منطق بودن، از مصادیق کفر و باطل است که امام علی علیه السلام در کلام خود از آن نهی فرموده‌اند.

دو. ویژگی‌های تعصب مذموم از نظر امام علی علیه السلام

نکته قابل توجه در تحلیل محتوای کلام امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه اینکه، آن حضرت پس از بیان مصادیق دو گروه تعصب ممدوح و مذموم، در ادامه کلام خود به بیان ویژگی‌های تعصب مذموم پرداخته و تلاش کرده‌اند با معرفی دقیق ویژگی‌های تعصب مذموم، مخاطبان خود را به گونه‌ای بسیار دقیق با این نوع خاص از تعصب آشنا فرمایند حتی در ادامه، عوامل ایجاد آن و همچنین نتایج تمسک به تعصب‌های مذموم را نیز بیان نموده‌اند تا بیش‌ازپیش مخاطبان خود را از این امور بر حذر دارند. لذا در ادامه به بیان چند مورد از مهم‌ترین مواردی که امام علی علیه السلام به‌عنوان ویژگی‌های تعصب مذموم اشاره کرده‌اند، خواهیم پرداخت:

۱. بیماری روحی

حضرت علی علیه السلام با عبارات «فَأَطْفُنُوا مَا كَمَنَّ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ» (A69) و نیز «خَلَطْتُمْ بِصِحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ»، (A106) عصبیت را از جمله بیماری‌هایی روحی معرفی نموده‌اند که موجب نابودی روح و روان و باطن انسان می‌شود و اگر فرد، خود را از این خصیصه ناپسند دور نماید و آن را درمان نکند، هلاک خواهد شد. عباراتی که حضرت علی علیه السلام برای تعصب مذموم بیان کرده‌اند، به‌خوبی نشان می‌دهد که از منظر آن حضرت علیه السلام، تعصب یک نوع بیماری روحی است که همانند دیگر بیماری‌های انسان، می‌بایست درمان شود. بنابراین از این جمله حضرت علیه السلام انتظار می‌رود که در ادامه سخن خود، راه‌های درمان بیماری تعصب را نیز بیان کرده باشند. نتایج استفاده از روش تحلیل محتوا نشان می‌دهد که بخش دیگری از کلمات امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه به موضوع راه‌های درمان بیماری تعصب اشاره دارد که در ادامه بیان خواهد شد.

۲. نابودکننده فضایل اخلاقی

دومین ویژگی‌ای که حضرت علی علیه السلام برای تعصب مذموم بیان کرده‌اند، تعابیر کنایی از آتش نابودکننده خود، جامعه و فضائل اخلاقی است. آن حضرت در عباراتی دیگر مانند: «وَقَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ» (R19) یا «نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ» (R17) به شباهت داشتن عصبیت به آتش نابودکننده اشاره کرده‌اند که همه چیز را می‌سوزاند و از بین می‌برد. در مورد اول، واژه «حمیت» بسان انسانی پنداشته شده است که آتش خشم را در دل شعله‌ور می‌سازد؛ آنگاه مشبّه‌به حذف شده و یکی از ویژگی‌ها آن یعنی «قَدَحَتِ» با مشبّه آمده است. در عبارت «نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ» نیز که اضافه تشبیهی است، عصبیت به آتشی تشبیه شده است که فضایل اخلاقی را از بین می‌برد؛ لذا در ادامه این جمله

حضرت علی علیه السلام با استفاده از سوگند «فَاللَّهِ اللَّهُ فِي كِبْرِ الْحَمِيَةِ» به پرهیز از کبر و زدودن تعصب‌های جاهلی از قلب توصیه فرموده و بر جدی بودن خطر تعصب مذموم تأکید می‌نماید. (A83) همچنین عبارت «فَأَطِئُوا» در جملات قبلی نیز با استفاده از صنعت تشبیه، عصیبت را به آتشی تشبیه فرموده که اطراف خود را می‌سوزاند و باعث نابودی همه چیز می‌شود. (A69)

۳. گسترش‌دهنده ردایل اخلاقی

سومین ویژگی‌ای که برای تعصب مذموم از کلام امام علی علیه السلام می‌توان برداشت کرد، گسترش‌دهنده ردایل اخلاقی است. آن حضرت علیه السلام در عبارت «صَدَقَهُ يَهْ أَيْبَاءُ الْحَمِيَةِ، وَإِخْوَانُ الْعَصِيَةِ» با استفاده از صنعت استعاره، «الْحَمِيَةِ» را بسان مادری تصویر فرموده‌اند که زادوولد بسیار داشته و فرزندان بسیاری از آن متولد می‌شود. همچنین در جمله «إِخْوَانُ الْعَصِيَةِ» نیز به همین صورت، تعصب مذموم را بسان فردی می‌دانند که برادران بسیار دارد. بحرانی در شرح این بخش از کلام امام علی علیه السلام نوشته است که:

انسان متعصب به دلیل حمیت‌های جاهلی و ناپسند، به تدریج مبتلا به دیگر صفات اخلاقی ناپسند نیز می‌شود؛ چون به خاطر طرفداری از باطل مجبور است دروغ بگوید و مرتکب معاصی بسیار شود. لذا عصیبت را مادر گناهان بسیار دانسته‌اند. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۴ / ۲۵۲؛ خوبی، ۱۳۸۵: ۱۱ / ۲۸۹)

از مجموع این مطالب می‌توان چنین برداشت کرد که ریشه بسیاری از ردایل اخلاقی و مفاسد، عصیبت‌های ناپسند و مذموم است؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام نیز از آن به‌عنوان یک بیماری روحی که نابودکننده فضائل اخلاقی و گسترش‌دهنده ردایل است، یاد کرده‌اند. (R13)

سه. عوامل ایجاد تعصب مذموم از نظر امام علی علیه السلام

تحلیل محتوای خطبه قاصعه نشان می‌دهد که یکی دیگر از مطالب بیان شده در این خطبه، عوامل ایجاد تعصب‌های مذموم است. امام علی علیه السلام در ضمن تبیین مصادیق و ویژگی‌های تعصب مذموم، عوامل ایجاد آن را نیز برشمرده‌اند که بطور کلی آنها را می‌توان در دو بخش تقسیم نمود:

۱. کبر و پیروی از متکبران

از تحلیل محتوای کلمات امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه چنین برداشت می‌شود که از نظر ایشان، «کبر» اصلی‌ترین دلیل ایجاد عصیبت‌های جاهلی و مذموم در انسان است چراکه اولاً؛ کبر، راه نفوذ شیطان بر انسان است، (R21) ثانیاً؛ پیروی از شیطان عامل سقوط انسان است (R23) و ثالثاً؛ پیروی از

متکبران، باعث هلاکت انسان می‌شود. (R22) حضرت علی علیه السلام با عبارات «فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصِيَّةِ، وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ، وَ سِوْفُ اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ» که تشبیه بلیغی از ضررهای وجود متکبران در جامعه است، در عین حال به این مطلب توجه داده‌اند که «تکبر» باعث ایجاد عصبیت مذموم شده و در نهایت فتنه، آشوب و جنگ‌های دوران جاهلیت را به همراه خواهد داشت. گزارش‌های تاریخی نیز دال بر آن است که در دوران جاهلیت، اعراب به خاطر تعصب‌های نابجا و بی‌منطق، دائماً درگیر جنگ‌ونزاع، قتل‌وغارت و فساد شده بودند که نمونه آن جنگ‌های فُجَار و نیز اختلاف چهل‌ساله دو قبیله اوس و خزرج است که در نهایت با ظهور دین اسلام، بخش عمده‌ای از این عصبیت‌های جاهلی از جامعه آن روز برچیده شد. امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه با یادآوری مجدد آن دوران سیاه، به مردم هشدار می‌دهند که در صورت پیروی از متکبران، مجدداً جامعه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم به همان دوران جاهلیت بازمی‌گردد.

۲. جهل و پیروی از جاهلان

دومین عاملی که از تحلیل محتوای کلام امام علی علیه السلام برداشت می‌شود، مسئله جهل مردم و پیروی از جاهلان است که البته در ادامه عامل قبلی یعنی تکبر می‌باشد. بسیاری از متکبران با نفوذ در اندیشه سفیهان جامعه، آنان را به تبعیت از افکار نادرست و باطل خود هدایت کرده (A190) و تلاش می‌کنند تا حقایق را بر مردم، مشتبه ساخته و وارونه جلوه دهند. (A189) حضرت علی علیه السلام در بخشی از کلام خود می‌فرماید که متکبران بر گردن جاهلان سوار شده و با سوءاستفاده از سفیهان، عقل آنها را زائل می‌کنند: «تَحْتَمِلُ تَمْوِيهِ الْجُهَلَاءِ، أَوْ حُجَّةَ تَلِيْطُ يَعْقُولِ السَّفَهَاءِ». (R46) این عبارات حضرت علیه السلام نشان می‌دهد که در کنار تکبر متکبران، جهل مردم نیز یکی دیگر از عوامل ایجاد تعصب‌های مذموم در جامعه می‌باشد.

اگر مردم جامعه موفق به شناخت حق و باطل شده و از جاهلان پیروی نکنند، قطعاً متکبران نمی‌توانند از آنان سوءاستفاده کرده و بر گردن آنها سوار شوند و امیال خود را اجرا کنند. بر این اساس باید توجه داشت که تکبر متکبران در کنار جهل توده مردم است که زمینه‌ساز فساد و نابودی جامعه می‌شود.

چهار. پیامدهای تعصب مذموم از نظر امام علی علیه السلام

تحلیل محتوای کلام امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه نشان می‌دهد که بخش دیگری از کلام آن حضرت در رابطه با تعصب، به موضوع پیامدها و نتایج تعصب ورزی مذموم اختصاص دارد که در ادامه به چند مورد مهم آن اشاره می‌شود:

۱. هموارکننده راه نفوذ شیطان

حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه، تعصب را راه نفوذ شیطان معرفی کرده و می‌فرماید: «مَنَافِحُ الشَّيْطَانِ». از این عبارت حضرت علیه السلام چنین برداشت می‌شود که مهم‌ترین نتیجه و پیامد تعصب مذموم، باز کردن راه نفوذ شیطان در انسان است. (A84) عبارت «مَنَافِحُ الشَّيْطَانِ» به معنای دمیدن‌های مکرر شیطان، کنایه از وسوسه‌های شیطان است که موجب انحراف و تباهی انسان شده و او را از مسیر عبادت و بندگی دور می‌کند. (A72) حضرت علی علیه السلام درجایی دیگر شیطان را امام و رهبر متعصبان مطرح کرده و می‌فرماید: «إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ» (R5) یعنی عاقبت تبعیت از شیطان، سقوط در ورطه عصبیت‌های مذموم است که نتیجه نهایی آن، ضلالت در دنیا و عذاب در آخرت می‌باشد.

۲. زمینه‌ساز دشمنی‌ها در جامعه

امام علی علیه السلام در بیان نتایج تعصب ورزی، به زیبایی و در قالب استعاره این مطلب را بیان می‌کنند که «فَأَيُّهُ مَلَاقِحُ الشَّنَّانِ» یعنی تعصب همانند موجود زنده‌ای است که تولیدمثل داشته و ثمره‌اش ایجاد خصومت و دشمنی میان افراد جامعه است. کاملاً مشخص است که اگر تعصب‌های مذموم در جامعه رواج پیدا کند، فضای جامعه آن‌چنان پرمخاطره شده و کینه‌ها و حسادت‌ها و دشمنی‌ها آن‌چنان در جامعه گسترش پیدا می‌کند که در نهایت، زندگی را به کام همگان تلخ و غیرقابل تحمل خواهد کرد. لذا به همین دلیل حضرت علی علیه السلام، تعصب مذموم را بارور کننده همه دشمنی‌ها توصیف کرده‌اند.

۳. غرق‌شدن در تاریکی‌های جهل و گمراهی

امام علی علیه السلام در بخش دیگری از کلام خود برای تأکید به اجتناب مردم از این رذیلت اخلاقی، یکی دیگر از پیامدها و نتایج تعصب ورزی مذموم را غرق‌شدن در تاریکی‌های جهل و گمراهی بیان کرده و می‌فرماید: «حَتَّادِسَ جَهَالَتِهِ، وَ مَهَاوِي ضَلَالَتِهِ» (R21) یعنی تعصب بی‌جا انسان را به ورطه جهالتی بزرگ و گمراهی عمیقی می‌کشاند که دیگر از آن راه نجاتی نداشته و نمی‌تواند بیرون بیاید. فرد متعصبی که راه نفوذ شیطان را به خود گشوده است و با همه افراد جامعه به خصومت و دشمنی برخاسته، عملاً در چنان جهالت عمیقی فرورفته است که دیگر آمیدی به نجاتش نیست. بنابراین به نظر می‌رسد منظور حضرت علیه السلام از این عبارت، هلاکت و نابودی باشد.

نتیجه

تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام که طولانی‌ترین و یکی از مهم‌ترین خطبه‌های آن امام همام است، نشان می‌دهد که نفوذ شیطان در انسان، مهم‌ترین خطری است که آن حضرت علیه السلام مردم را نسبت بدان بیم داده و تلاش کرده‌اند تا خطرات و عواقب این نفوذ را توضیح داده و عوامل آن را نیز معرفی نمایند. مهم‌ترین عاملی که از منظر امام علی علیه السلام به‌عنوان راه نفوذ شیطان شناخته شده است، «تعصب» می‌باشد.

از منظر حضرت علی علیه السلام، تعصب صفتی است که اگر در جایگاه حقیقی خودش برای دفاع از حق و حقیقت به‌کار گرفته شود، بسیار مقبول و شایسته بوده و باعث کمال انسان می‌شود؛ اما اگر از آن سوءاستفاده شده و در مسیر ترویج باطل بکار گرفته شود، یکی از رذایل اخلاقی است که انسان را به سقوط و هلاکت می‌کشاند.

حضرت علی علیه السلام مصادیق تعصب ممدوح و شایسته را تعصب بر وفای به عهد و پابندی بر پیمان‌ها، تعصب بر خودداری از تجاوز، ظلم و سرکشی درنهایت و تعصب بر فرمان‌بری از ابرار و نافرمانی از متکبران معرفی کرده‌اند که البته هرکدام زیرشاخه‌های دیگری نیز دارد. مصادیق تعصب مذموم و ناپسند نیز به‌صورت کلی تعصب شیطانی و تعصب جاهلی معرفی شده است.

تحلیل محتوای خطبه قاصعه نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام در این خطبه، ضمن معرفی انواع تعصب و بیان مصادیق آنها، به تبیین ویژگی‌های تعصب، عوامل ایجاد تعصب و پیامدهای آن نیز پرداخته‌اند و تلاش نموده‌اند تا یک چهره کامل از این صفت اخلاقی دُوبُعدی را به تصویر بکشند. ایشان در ادامه مطالب خود به معرفی ویژگی‌های تعصب مذموم پرداخته و آن را یک بیماری روحی که نابودکننده فضایل اخلاقی و گسترش‌دهنده رذایل اخلاقی است، معرفی نموده‌اند. همچنین عوامل ایجاد آن را دو مقوله مهم کبر، جهل و پیروی از متکبران و جاهلان دانسته و درنهایت، هموار شدن راه نفوذ شیطان در انسان، زمینه‌سازی دشمنی‌ها در جامعه و غرق شدن در تاریکی‌های جهل و گمراهی را از جمله عواقب و پیامدهای عصبیت‌های مذموم معرفی نموده‌اند.

لازم به ذکر است که در این مقاله، از روش «تحلیل محتوا» استفاده شد تا بتوان ضمن تجزیه و تحلیل دقیق عبارات خطبه و ارائه استنادات لازم، در پایان یک تصویر کامل از مقوله «تعصب» از منظر امام علی علیه السلام بیان شود که نمودار ذیل، بخشی از آن است:



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم زاده، رحمت، ۱۳۸۹، *بررسی زبان‌شناختی خطبه قاصعه نهج‌البلاغه*، مازندران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه مازندران.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین، ۱۳۸۵ق، *شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ق، *لسان‌العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵. امین ناجی، محمدهادی، ۱۳۷۵، *بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه سیاسی اجتماعی کوفه*، تهران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۶. ایمان، محمدتقی، ۱۳۸۸، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. باردن، لورنس، ۱۳۷۵، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۸. بحرانی، ابن میثم، ۱۳۸۵، *شرح نهج‌البلاغه*، ترجمه حبیب روحانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. جانی پور، محمد، ۱۳۹۰، *اخلاق در جنگ: تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی (ع) و معاویه*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالشامیه.
۱۱. راوندی، قطب‌الدین، ۱۳۶۴، *منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۲. شاه‌بیدکی، مهسا، ۱۳۹۵، *بررسی و تحلیل واژگان مشکل نهج‌البلاغه*، تهران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه قرآن و حدیث.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، تهران، مرتضوی.
۱۵. عترت‌دوست، محمد، ۱۳۹۸، «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، *مجله حدیث پژوهی*، سال ۱۱، شماره ۲۱، ص ۲۹۱ - ۳۲۰.

۱۶. کاشفی، صدیقه، ۱۳۹۷، *تحلیل محتوای خطبه قاصه امام علی علیه السلام*، تهران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه الزهراء علیها السلام.
۱۷. کرپندورف، کلاوس، ۱۳۸۳، *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، *الکافی*، تهران، اسوه.
۱۹. کمیلی تخته‌جان، غلامحسین، ۱۳۸۲، *شرح خطبه قاصه امام علی علیه السلام*، مشهد، پایان‌نامه ارشد دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. موسویان، طاهره، ۱۳۹۳، *اعراب و بلاغت خطبه قاصه*، تهران، پایان‌نامه ارشد دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۲. نراقی، مهدی، ۱۳۶۶، *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران، حکمت.
۲۳. خویی، حبیب‌الله، ۱۳۶۴، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.

